



قال الله تبارک و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

خاطرات مرحوم آیت الله میلانی درباره علامه طباطبایی (ره)

شناسنامه مطلب	
کد مطلب	t-319
رده	تزکیه‌ای / تقوای عمومی / علما و مواعظ / علمای ربانی / علمای مشهور معاصر / علامه طباطبایی
برچسب	تزکیه، تقوا، علمای ربانی، آیت الله میلانی، علامه طباطبایی
توضیحات	

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

یکی از علمای مشهد مقدس پس از رحلت علامه طباطبایی در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی، یادنامه‌ای منتشر کرد که در آن بخشی از بیانات فرزند مرحوم آیت الله العظمی میلانی (آیت الله سید محمد علی



میلانی) درباره علامه آمده بود که از نظر تان می گذرد.

در روز پنجشنبه ۲۹/ج/۱۴۰۳ آقای حاج سید محمد علی میلانی دام توفیقه درباره مرحوم استاد ما علامه طباطبائی رضوان الله علیه گفتند: رئیس انجمن فرهنگی مصر: شیخ محمد فحام و معاون او شیخ شرباصی در مشهد مقدس نزد پدرم آمدند؛ و از جمله سخنانشان این بود که ما تفسیر المیزان را از بهترین تفاسیر یافته ایم و تا جلد هجدهم آن را مطالعه کرده ایم و دو جلد دیگر آنرا نیافته ایم؛ و خیلی اشتیاق داشتند که از نزدیک علامه طباطبائی را نیز ببینند؛ اما علامه طباطبائی در آن وقت که در شهر مقدس مشهد بودند؛ در خارج شهر رفته بودند و لذا ملاقات حاصل نشد؛ ولیکن مرحوم پدرم جلد نوزدهم و بیستم را تهیه و برای آنان به مصر فرستادند.

و درباره ادبیّت عربی تفسیر المیزان، جناب آقای میلانی زاده فرمودند: از نقطه نظر قیاس ادبیّت المیزان و الغدیر در زمان حیات هر دو مؤلف بزرگوار آنها؛ از مرحوم حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء که استاد ادبیّت و عربیّت و فرید عصر در زمان خود بود، چون از الغدیر سؤال شد، در جواب فرمود: معلوم است که آنرا ایرانی نوشته است؛ و چون از داماد مرحوم آقا سید شرف الدین عاملی: آقای شیخ عبدالله سبّیتی سؤال شد؛ در جواب گفت: معلوم است که آن را غیر عرب نوشته است. ولیکن از المیزان چنین نقل هائی نشده است؛ علاوه بر آن که از آقا سید محمد حسین فضل الله که در غازیة لبنان ساکن و از

مشاهیر ادبیّت عرب هستند، نقل شده است که: تفسیر المیزان از نقطه نظر ادبیّت جزء کتاب های معتبر ادبی در نزد جوانان و دانشگا هیان لبنان است.

و باز آقای سید محمد علی میلانی فرمودند: با آنکه مرحوم امینی نسخه خود را در نجف اشرف در نزد مرحوم آقا شیخ محمد علی اردوبادی می برده و می خوانده است، و آن مرحوم که در ادبیّت عرب ممتاز بوده است، تصحیح می نموده است؛ و عروة الوثقی مرحوم یزدی را که دو نفر عرب: آقا شیخ احمد کاشف الغطاء و آقا سید احمد خوانساری تصحیح کرده اند؛ و کفایه مرحوم آخوند خراسانی را نیز تصحیح کرده اند بدین گونه که مرحوم سید محمد کاظم یزدی که از کوفه به نجف می آمده است، در عربانه نوشته ای از عروه را برای شیخ احمد کاشف الغطاء و حاج سید احمد خوانساری می خوانده است و این دو نفر آن را تصحیح می نموده اند. و اما مرحوم آخوند خراسانی کفایة الاصول را بدین ترتیب نوشته است که: مرحوم شیخ محمد صالح علامه سمّانی که دوره اوّل درس مرحوم آخوند می رفته است؛ مطالب را برای خود می نوشته است، سپس آن را مرحوم آخوند از وی می گرفته است؛ و بالنّتیجه «کفایة الاصول» تنظیم و تحریر یافته است. ولیکن تفسیر المیزان حتّی تصحیح مطبوعه ای آن هم توسط خود علامه انجام می گرفت رحمة الله علیه؛ و در آن وقتی که علامه مشغول نوشتن آن بود، و فقط گاهی چایی کم رنگ می خورد؛ و یا يك نصفه سیگار می کشید؛ و سیگار ایشان اشنو بود و يك پاکت آن، هفت قران (ریال) ارزش داشت؛ چه بسا ایشان پول سیگار را نداشت.

آیت الله زاده میلانی: روزی ما در معیّت پدرم و عمو هایم يك درشکه از تبریز برای دهی که علامه در آن سکونت داشت (شاد آباد و یا غیر آن) گرفته و سوار شده و می رفتیم و قبلاً عمو هایم با پدرم سخن از قبله به میان آورده بودند و هنوز قبله نماي رزم آرا به میان نیامده بود. در بین راه که درشکه می رفت، عمو هایم به پدرم گفتند: این شخص مگر چه شخصیتی است که شما با درشکه از تبریز به سوی او به آن ده می روید؟! پدرم گفت: همان کسی است که در حلّ این مسائل (قبله که قبلاً مورد سخن بوده است) استاد و فرید است.

و در غالب از موارد و اوقات مرحوم پدرم می گفت: علامه طباطبائی علومی را دارد که ما نداریم؛ و منظور پدرم از آن علوم، علوم باطنی و غیبی بوده است.

خاطره: يك روز من با حضرت علامه طباطبائی و دو نفر داماد شان آقای مناقبی و آقای قدوسی با ماشین سواری از سبزوار به مشهد می آمدیم و بنا شد مشاعره کنیم. ما سه نفر در يك طرف و علامه به تنهایی در طرف دیگر بود، ما سه نفر که مجموعاً نتوانستیم از ایشان برنده شویم، بلکه علامه بود که ما را محکوم می کرد؛ نه با يك بیت شعر بلکه با چند بیت که مرتباً به عنوان شاهد می آورد و حقّاً ما از احاطه ایشان به شعر و ادبیّت در شگفت افتادیم.

آقا سید محمد علی میلانی می گفتند: علامه در تشخیص خطّ های قدیمی و اساتید فنّ خطّ، استاد بودند و خطّ های معروفین را به طرز بی نظیری می شناختند، بطوری که در بعضی از اوقات اساتید خطّ شناسی برای شناختن بعضی از خطوط به ایشان مراجعه می کردند و ایشان بدون درنگ می گفتند: این خطّ مثلاً از فلان است.

یکی از اساتید اهل فن خطّ برای ما می گفت: روزی ما مقدار زیادی از خطوط را که نمی شناختیم، به محضر ایشان بردیم و ایشان يك يك را می گفتند که از کیست؛ و سریعاً کنار می گذاردند. مثلاً می گفتند: این از مرحوم درویش است، این خطّ میرعماد است، این خطّ میرزا غلامرضا کلهر است، این خطّ احمد نیریزی است؛ و همچنین تا آخر مجموعه را یکایک سریعاً گفتند و اوراق را روی هم می گذاردند.

پس از انجام این مهم ما پرسیدیم: بسیار خوب! شما این طور مبین و روشن ساختید. ولی حالا بفرمائید: به چه دلیل این طور می گوئید؟ و برای ما چه حجّتی باشد؟!

ایشان یکایک از اوراق را برداشتند و شیوه یکایک از اساتید خطّ را بیان می کردند و سپس می فرمودند: این قطعه دارای این شیوه و این خصوصیات است که این نیز برای ما بسیار مُعْجَب بود.